

تقسیت جزای نقدی

آیا جزای نقدی قابل تقسیت است؟

درخصوص اینکه جزای نقدی قابل تقسیت است یا نه دو نظر کلی بین قضات حاکم است بعضی آن را قابل تقسیت می دانند و عده ای دیگر غیرقابل تقسیت. قبل از ورود به بحث ابتداء معنای لغوی، حقوقی و اصطلاحی جزای نقدی را بیان و سپس به تجزیه و تحلیل آن بپردازیم. یکی از مجازات های مقرر در قانون جریمه نقدی است که قبل از انقلاب هم در قوانین پیش بینی شده بوده مانند ماده ۱۳ و ۱۱۰ و ۱۵۲ و ۲۳۸ و ۲۴۹ و... قانون مجازات عمومی و در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ به آن اشاره شده است و همچنین طبق ماده ۱۷ قانون فوق یکی از مجازات های بازدارنده قلمداد گردیده است.

جریمه نقدی عبارتست از جریمه ای که وجه آن نقد باشد^(۱) و نقد آن چیزی است که به وجه نقد و رایج پرداخت شود^(۲) و یا پول یا بهاء آنچه فی الحال داده شود^(۳) و در اصطلاح (مدنی - فقه) صفت عقدی است که برای ثمن آن موعد نگذاشته باشند و آن در مقابل نسیه آمده است و آن ثمنی است کلی و برای پرداخت آن موعد معین شده باشد.^(۴) جزای نقدی عبارتست از اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد و یا ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به عنوان مجازات جرم ارتكابی مقرر می کند، و به طور کلی جریمه نقدی عبارتست از اجبار محکوم به اینکه مبلغ مقرر در حکم دادگاه را به خزانه دولت واریز نماید.^(۵) و خود به دو صورت قابل تصور می باشد. اول - جزای

(۱) - جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی از انتشارات گنج دانش چاپ پنجم ص ۱۹۵ م ۱۵۶۱.

(۲) - معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، جلد چهارم از انتشارات امیرکبیر ص ۴۷۸۵.

(۳) - عمید، حسن، فرهنگ فارسی سه جلدی جلد سوم از انتشارات امیرکبیر سال ۱۳۶۳ ص ۲۴۰۸.

(۴) - جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی از انتشارات گنج دانش چاپ پنجم ص ۷۱۴ م ۵۷۴۲.

(۵) - شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی جلد دوم از انتشارات ویستار چاپ پنجم صفحه ۲۶۷.

است که قانونگذار تقسیط در جزای نقدی را پذیرفته است و اداره حقوقی هم در پاسخ این سؤال که آیا جزای نقدی را می‌توان تقسیط نمود یا خیر؟ چنین نظر داده است:

«تقسیم پرداخت جزای نقدی وفق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۵۱/۴/۱۱ و آئین‌نامه اجرائی ماده ۲ قانون مذکور مصوب ۵۱/۹/۷ شق د از ماده یک آئین‌نامه تجویز شده است.»^(۳)

بعد از پذیرش این نظر سئوالی که مطرح می‌شود این است اختیار قرار تقسیط با چه مرجعی است اجرای احکام یا دادگاه صادرکننده حکم، در این رابطه سه قول وجود دارد:

۱- اختیار قرار تقسیط با دادگاه صادرکننده حکم است.

۲- اختیار قرار تقسیط با اجرای احکام است.

۳- اختیار قرار تقسیط با پیشنهاد اجرای احکام و موافقت دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد.

۱- اختیار قرار تقسیط با دادگاه صادرکننده حکم است

قضاتی که اعتقاد به این نظر دارند چنین استدلال می‌کنند:

نقدی به صورت ثابت و آن عبارتست از مبلغ معین با ذکر حداقل و حداکثر که پرداخت آن از سوی قانونگذار برای محکوم مقرر و مورد حکم قرار گرفته باشد و یا به عبارتی حداقل و اکثر جزای نقدی ثابت در قانون تعیین شود.^(۱) دوم - جزای نقدی به طور نسبی و آن عبارتست از جریمه نقدی که براساس واحد یا مبنای خاص قانون دیگر که حسب مورد توسط دادگاه تعیین می‌گردد و یا اینکه میزان آن براساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب گردد.^(۲)

به طور کلی جریمه نقدی را می‌توان با توجه به تعاریف فوق چنین تعریف نمود: جریمه نقدی عبارتست از مبلغ پولی که برای مجازات، مجرم یا متخلف به پرداخت آن محکوم می‌شود:

الف - جزای نقدی قابل تقسیط است

استدلال افرادی که معتقد به تقسیط جزای نقدی می‌باشند چنین است:

۱- طبق بند دال ماده ۱ آئین‌نامه اجرائی ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۵۱/۴/۱۱ که آمده است:

د - برای تأدیه جزای نقدی تضمین یا وثیقه سپرده نشده یا قرار تقسیط داده نشده باشد از کلمه تقسیط در این بند استفاده شده

(۱) - صانعی، دکتر پروین، حقوق جزای عمومی جلد دوم از انتشارات گنج دانش ص ۲۲۸.

(۲) - همان سابقه پیشین.

(۳) - شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوق قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری جلد اول روزنامه رسمی بهای ۱۳۷۲ ص

احکام دادگاههای عمومی اعم از امور کیفری یا حقوقی می‌باشد و براساس قوانین اجرای احکام و دستور دادگاه صادرکننده حکم یا اجرائیه...»

و - ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که مقرر می‌دارد:

«در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مالی یا اداری قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه بجز مستثنیات دین حکم را اجراء و یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

تبصره: چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت. با توجه به مواد فوق‌الاشاره نتیجه گرفته می‌شود قرار تقسیط با دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد.

۲- اختیار قرار تقسیط با اجرای احکام

می‌باشد

قضاتی که اعتقاد به این نظر دارند چنین استدلال نموده‌اند:

الف - بند دال ماده ۱ آئین‌نامه اجرای

ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۱/۴/۵۱ که مقرر داشته است:

د - برای تأدیه جزای نقدی تضمین یا

الف - طبق ماده ۲۷ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۲ که مقرر می‌دارد: «اشخاصی که دارائی نداشته و یا دارائی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت وعده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد.»

ب - ماده ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ که مقرر می‌دارد: «اگر قاتل در شبه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می‌شود (طبق ماده ۱۲ قانون فوق دیه یکی از مجازات‌های مقرر در قانون می‌باشد)

ج - ماده ۲۷۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.»

د - ماده ۶۵۲ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «درموقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد.

ه - ماده ۲۷ قانون تشکیل دادگاههای

عمومی و انقلاب مصوب ۱۵/۴/۷۳ که مقرر می‌دارد «واحد اجرای احکام عهده‌دار اجرای

که در مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آنرا بدهد در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت دادستان ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.»

از جمله با موافقت «دادستان ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد» استنباط می‌گردد که دادستان مانند آزادی مشروط وقتی می‌تواند ترتیب پرداخت جزای نقدی را بدهد قطعاً حق تقسیط جزای نقدی را نیز دارد.

د - با استفاده از قاعده اولویت^(۱) که می‌گوید در جاهایی که دادستان یا ستاد ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۵۱ اختیار حبس بدل از جریمه را دارد مسلماً اختیار تقسیط جزای نقدی را نیز خواهد داشت.

با عنایت به موارد و استنادات فوق نتیجه گرفته می‌شود قرار تقسیط با اجرای احکام است.

۳- اختیار قرار تقسیط با پیشنهاد

اجرای احکام و موافقت دادگاه می‌باشد

قضاتی که به این نظر معتقد هستند چنین استدلال می‌نمایند:

الف - به‌طور کلی اجرای هر حکمی به

عهده دادگاه صادرکننده حکم است و در امور کیفری به منظور سهولت در کار و تمرکز در مدیریت اجرای احکام زیر نظر دادستان در

وثیقه سپرده نشده و یا قرار تقسیط داده نشده‌باشد.»

باتوجه به مفهوم مخالف بند د مستفاد می‌شود که قانونگذار قرار تقسیط را پذیرفته و از وظایف دادستان بوده است که طبق ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ به رئیس شعبه اول محول شده و اجرای احکام به نیابت و تفویض اختیار شعبه اول حق تقسیط جزای نقدی را دارد.

ب - در ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی آمده است «هرکس ضمن تعقیب جزائی به تأدیه جزای نقدی یا ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شود و آنرا نپردازد یا مالی از او به دست نیاید به دستور دادستان در مورد جزای نقدی و تقاضای مدعی خصوصی در مورد ضرر و زیان به ازاء هر پانصدریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد...» حکم نپردازد در ماده فوق کلی است و از آن استنباط می‌گردد اگر کسی دفعتاً واحده آنرا نپردازد بازداشت می‌شود ولی اگر کسی ترتیب پرداخت محکوم به را در چندین مرحله بدهد دیگر شامل ماده نخواهد شد و از استدلال فوق این نتیجه حاصل می‌گردد دادستان می‌تواند جزای نقدی را تقسیط نماید.

ج - طبق بند ۲ ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص آزادی مشروط آمده است «هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان

(۱) - قیاس اولویت: علت حکم در مفهوم قوی‌تر و شدیدتر از علت حکم در منطوق است و آنرا اصطلاحاً قیاس اولویت می‌نامند مانند ماده ۵۸۹ ق. ا. د. م. قیاسی است که علت حکم در نوع قوی‌تر از اصل باشد نقل از کتاب مبانی استنباط حقوق اسلامی دکتر ابوالحسن محمدی ص ۷۲ شماره ۸۲.

جیست و سپس وارد بحث اصلی شویم و باتوجه به قوانین موضوعه موجود تقسیم شامل کدام دسته از قوانین می‌شود آیا تخفیف و تبدیل است و یا تعلیق اگر آنرا نوعی تخفیف بدانیم که مقررات آن در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی صریحاً قید گردیده است و حرفی از تقسیم به میان نیاورده است اگر آنرا نوعی تعلیق بدانیم که باز موارد آن در ماده ۲۵ قانون فوق بیان شده است اگر آنرا نوعی تبدیل فرض کنیم که این مسئله نیز در ماده ۲۲ قانون مجازات با رعایت مقررات خاص آمده و در صورت احراز جهات مخففه مقرر در این ماده دادگاه می‌تواند مجازات قانونی جرم را به مجازات از نوع دیگر که به حال متهم مناسبتر است تبدیل نماید پس باتوجه به قوانین موجود تقسیم نه تخفیف است و نه تبدیل و نه تعلیق بلکه می‌توان گفت یک نوع ارفاق عرفی به محکوم است وقتی محکوم علیه به علت نداشتن دارائی یا عدم کفایت دارائی یا عدم دسترسی به اموالش قادر به پرداخت جزای نقدی نمی‌باشد باتوجه به تعریفی که قانونگذار از معسر در ماده ۱ قانون اعسار نموده است «معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارائی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأدیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد» و شرایط مقرر در ماده ۳۷ قانون اعسار که مقرر می‌دارد «اشخاصی که دارائی نداشته یا دارائی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه

قانون سابق تشکیل گردید و در تبصره ۲ ماده ۲۷ آئین‌نامه اجرائی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ نیز بدان اشاره شده است، چگونگی پرداخت جزای نقدی خود نوعی ابهام در نحوه اجرای حکم می‌باشد لذا جهت رفع شبهه و تعیین تکلیف و تقسیم جزای نقدی و مواعد آن به عهده دادگاه صادرکننده حکم است.

ب - نزاکت حقوقی ایجاب می‌نماید که قرار تقسیم جزای نقدی و تعیین موعد آن از دادگاه صادرکننده حکم درخواست شود.

ج - جزای نقدی موضوع حکم دادگاه جز درآمد دولت محسوب می‌گردد و اجرای احکام نمی‌تواند درآمد دولت و پرداخت آنرا بدون در نظر گرفتن حکم دادگاه تقسیم نماید و در قوانین موجود چنین اختیاری به اجرای احکام داده نشده است.

د - اگر قرار تقسیم موضوع بند دال ماده ۱ آئین‌نامه اجرائی ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را قرار قضائی فرض کنیم صدور قرار تقسیم در حال حاضر باتوجه به قوانین موجود به عهده دادگاه است ولی اگر قرار مذکور را وعده بدانیم مرجع تقسیم می‌تواند اجرای احکام باشد لکن با توجه باینکه فرض «قول و قرار» برخلاف عرف قضائی است لذا قرار مذکور یک نوع قرار قضائی بنظر می‌رسد و آن به عهده دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد.

ب - جزای نقدی قابل تقسیم نمی‌باشد
ابتداء ببینیم ماهیت حقوقی تقسیم

حکم مجازات...» از مفهوم ماده فوق و سایر قوانین استفاده می‌شود که هر تصمیمی که دادگاه قصد دارد بگیرد باید در هنگام صدور حکم باشد و بعد از آن پذیرفته نخواهد شد. با عنایت به اینکه آنچه در درجه اول به ذهن هر شخصی از تقسیط متبادر است نوعی ارفاق در مهلت و تخفیف می‌باشد و مستنبط از ماده فوق هر نوع تخفیف و... باید در هنگام صدور حکم مدنظر قرار داده شود. شخصی که قادر به پرداخت همه یا قسمتی و... از جزای نقدی خود نمی‌باشد معسر است و طبق قانون در جزای نقدی تا تحقق شرایطی قابل اعسار نیست، نتیجه اینکه تقسیط نوعی کمک و تخفیف و ارفاق مهلت در پرداخت می‌باشد و به نظر می‌رسد قانونگذار نخواست است آنرا در قانون ذکر نماید و ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی هم همان حبس بدل از جریمه و زندان می‌باشد قاضی می‌تواند در صورت عدم توانائی متهم در پرداخت جریمه نقدی، مجازات متهم را تقلیل و در بعضی موارد تعلیق نماید بنابراین جزای نقدی قابل تقسیط نمی‌باشد و قضاتی که معتقد هستند جزای نقدی قابل تقسیط نمی‌باشد به شرح ذیل استدلال نموده‌اند:

۱- هدف قانونگذار از تصویب این گونه مجازاتها ایجاد هراس در مجرمین بوده است و با تقسیط کردن جریمه نقدی این هدف کم‌رنگ خواهد شد.

۲- تقسیط جزای نقدی خلاف اصل است و هر امر استثناء بر اصل باید تصریح گردد و

(در مورد محکوم‌به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت و عده اقساطی که باید داده شود تعیین خواهد نمود» به نظر می‌رسد درخواست تقسیط از ناحیه محکوم‌علیه نوعی اعسار می‌باشد و طبق تبصره ۳ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ که مقرر می‌دارد: «در صورتی که محکوم‌علیه پس از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه نتواند جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی را بپردازد و به موجب حکم دادگاه صادرکننده حکم جزائی نیز معسر شناخته شود از زندان آزاد می‌شود...»

تقاضای اعسار تا تحمل نصف حبس بدل از جریمه نقدی قابل استماع خواهد بود نظر به اینکه هدف قانونگذار از تصویب جریمه نقدی به عنوان مجازات ایجاد رعب و هراس و زنگ خطر بوده است باتوجه به اینکه قانون و شرع اختیارات وسیعی به قاضی داده است او می‌تواند طبق ماده ۲۲ و ۲۵ و... استفاده نموده و در موقع صدور رأی تمام جوانب و مشکلات بعدی مجازات جزای نقدی در نظر گرفته و سپس به صدور حکم اقدام نماید و بعد از صدور حکم طبق قوانین موجود به جز برخی مواردی که تصریح قانونی وجود دارد تغییر آن امکان‌پذیر نمی‌باشد در ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است «قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن صدور حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای

یا جریمه نقدی حسب قوانین موضوعه دین قابل تقسیت می‌باشد اما شك و شبهه‌ای که وجود دارد این است آیا جزای نقدی مثل دین با توجه به عدم نص قانونی قابل تقسیت است؟ در اینجا ما باید از شبهه موضوعی مصداقیه استفاده نمائیم یعنی ما حکم قضیه تقسیت محکوم به مالی را می‌دانیم اما در مصداق آن شك و شبهه داریم مثل مفهوم روزنامه کثیرالانتشار در ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی در اینجا مفهوم روزنامه کثیرالانتشار را می‌دانیم اما بحث بر سر این است آیا فلان روزنامه مثل همشهری را در بر می‌گیرد یا نه باید به شبهه موضوعی مصداقیه مراجعه نمود و گفت آنچه قدر متیقن است آن را در بر می‌گیرد و باید به آن عمل نمود ولی در خصوص مواردی که شبهه و شك داریم اصل برائت را جاری می‌کنیم، نتیجه اینکه جزای نقدی شامل تقسیت محکوم به مالی نمی‌گردد.

۷- بند دال ماده ۱ آئین اجرائی ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۵۱ ناظر به عفو مالی است که از سوی دادستان با رعایت شرایطی به وزیر دادگستری پیشنهاد می‌شود و در صورت موافقت اجراء می‌گردد اما باتوجه به تغییر سیستم قضائی و پیروزی انقلاب اسلامی این اختیار طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است و آئین‌نامه اجرائی ماده ۲ به‌طور کلی صراحتاً نسخ شده است.

چون قانونگذار در قوانین مدون تقسیت جزای نقدی را مجاز اعلام نکرده است و هر جا که توهم خلاف آن به ذهن رسیده به صورت قاطع نسبت به رد آن مقرراتی وضع نموده است که از جمله می‌توان به ماده ۲۱ قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۶۷ تشخیص مصلحت نظام را نام برد که مقرر می‌دارد:

«محکومانی که قادر به پرداخت همه یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشد باید به ازای هر هزار تومان ده روز در زندان‌های نیمه یا باز و یا مراکز اشتغال حرفه‌آموزی اقامت نمایند در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنابراین تشخیص مسئولان اداره مراکز و این مدت تا ۳ روز در ازای هر هزار تومان قابل تقلیل است.»

۲- اگر جزای نقدی را قابل تقسیت بدانیم در بعضی موارد اجرای حکم مجازات جریمه نقدی اعمال نخواهد شد و اگر هم اجراء شود سالها جهت دریافت محکوم به فرصت لازم است در صورتی که هدف قانونگذار در تصویب این نوع مجازاتها فوریت آن بوده است.

۴- اگر تقسیت را دارای ماهیتی مثل کیفیات مخففه و امثال آن بدانیم باید در حین صدور حکم مورد توجه قرار گیرد نه بعد از آن.

۵- قاضی موظف است برطبق نص قانونی رأی صادر نماید و در خصوص تقسیت جزای نقدی نصی در این خصوص نداریم.

۶- می‌دانیم که محکوم به مالی طبق قوانین مصرحه با تحقق شرایطی قابل تقسیت می‌باشد و مبنای محکوم به مالی یا دین است و

«اعسار محکوم علیه پس از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه با توجه به تبصره ۳ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قابل قبول نیست چنانچه حکم اعسار او صادر گردد از زندان آزاد خواهد شد ولی قبل از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه برفرض هم که اعسار او محرز باشد اثر ندارد.^(۱)»

و هدف قانونگذار از تصویب چنین مجازات‌هایی برخورد قاطع با مجرمین است و همچنین معنای لغوی تقسیط و جزای نقدی به نظر می‌رسد نظریه دوم که جزای نقدی را قابل تقسیط نمی‌داند اصلح و بر حال جامعه انفع باشد.

حال که نظرات مختلف مورد بحث قرار گرفت به نظر نگارنده نظریه دوم معقول‌تر می‌تنی بر روح و مفاد قوانین موضوعه و موافق اصول مسلمه قضائی است زیرا بر قضاات است که با حسن تفسیر و تعبیر عملاً منظور قانونگذار را تأمین سازند و در موضوع تقسیط هدف قانونگذار فوریت آن بوده است با توجه به اینکه عدم توانائی در پرداخت . . . و درخواست تقسیط از ناحیه محکوم علیه نوعی اعسار محسوب میشود و لااقل در حکم اعسار است و نظریه اداره حقوقی در این رابطه در پاسخ این سؤال که آیا دعوی اعسار کسی که محکوم بر پرداخت جزای نقدی شده و به علت عجز از پرداخت آن زندانی گردیده قابل استماع است چنین اعلام نموده است.

(۱) - شهر، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری جلد دوم چاپ روزنامه رسمی ۶۶۵ م ۹۲۸

نظریه شماره ۷/۲۸۷۶ مورخه ۷/۲۲/۱۳۷۰.